

حرکت ملت‌ها بر گشت‌ناپذیر است

ترجمه: علی شیخان

■ عمرو موسی، متولد ۱۹۳۶ و فارغ التحصیل دانشکده حقوق قاهره، از سال ۱۹۵۸ در نقش یک دیپلمات حرفه‌ای ظاهر شده است.

■ ■ ■

■ جهان عرب با تغییرات بی‌سابقه‌ای مواجه شده است، واکنش اتحادیه عرب در قبال این رویدادها چیست؟

اتحادیه عرب برای خواست ملت عرب به تغییرات، احترام زیادی قابل است. ما یقین داشتیم که رژیم‌های سیاسی حاکم نمی‌توانستند ماندگار باشند. ملت عرب می‌دید که سایر ملت‌ها در آستانه ورود به قرن بیست و یکم متحول شده‌اند، در حالی که در کشورهای آنان هیچ تغییری رخ نداده بود. سرخوردگی بزرگی داشتند. در نشست ۱۹ ژانویه در شرم الشیخ، یعنی شش روز پیش از آغاز انقلاب مصر، اعلام کردم که مصر نیز به نوبه خود جذب شور و اشتیاق عظیم به سمت تغییرات دموکراتیک خواهد شد. اما مبارک با انتقاد از من گفت که تونس یک مقوله است و مصر مقوله‌ای دیگر.

■ دقیقاً همان استدلالی که دیگر حاکمان عرب به زبان آورده‌اند...

این گونه استدالات ارزشی ندارند. درست است که هر منطقه‌ای ویژگی‌های خاص خود را دارد اما واقعیت ماجرا چنین است که جوامع عرب دنباله‌روی یکدیگر هستند. آنها از همدیگر تقلید می‌کنند چون همه آنها خواستار پایان دادن به استبداد، خویشاوندسالاری و فساد هستند، چون همه آنها خواستار مشارکت در تصمیم‌گیری عمومی هستند. من در نشست ۱۹ ژانویه خاطر نشان کردم که هیچ کشور عربی خالی از این اشتیاق عمیق و مشروع تغییرات سیاسی نیست. البته جنس این تغییرات در کشورهای صاحب جمهوری با کشورهای پادشاهی یکی نیست، مثلاً تغییرات در یمن، مصر، تونس یا سوریه یکسان نیست. اتحادیه عرب یک الگوی تغییرات کاربدری را برای اعضا تجویز نمی‌کند اما همیشه به اعضا می‌گوید و تکرار می‌کند که تغییرات لازم است. این حرکت ملت‌های عرب به سمت آزادی بر گشت‌ناپذیر است.

■ شما نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری مصر در ماه نوامبر هستید، چالش‌های بزرگ پیش روی مصر به نظر شما چیست؟

ما باید در مسیر دموکراسی و اصلاح پیش برویم. در ۲۰ سال گذشته در این کشور هیچ اقدامی برای اصلاح مدیریت، آموزش، بهداشت، مسکن، کشاورزی، اشتغال جوانان و زیرساخت‌ها نشده است. ما قانون اساسی جدیدی را تدوین می‌کنیم تا شخصیت دموکراتیک حکومت آینده مصر شکل بگیرد. پس از آن باید اتاق فکری با مشارکت تمام گروه‌های نماینده مردم ایجاد کنیم تا هم طراحی اصلاحات صورت بگیرد و هم مراقبت جهت اجرای آن به عمل آید.

■ از زمان کودتای «افسران آزاد» در سال ۱۹۵۲، مصر توسط نظامیان اداره شده است. ژنرال مبارک از لحاظ سیاسی «نوه» سرهنگ ناصر محسوب می‌شود. آیا این رژیم نظامی از نظر تاریخی فاجعه نبوده؟

من فقط می‌توانم یک جواب منطقی به شما بدهم. زمانی که به وضعیت کشور پس از ۶۰ سال حکومت رژیم نظامی نگاه می‌کنید، وقتی بدبختی حاکم بر روستاهای مان و اختلاف خدمات عمومی ارایه شده به مردم را تصدیق می‌کنید، پس خودتان می‌توانید بگویید که میراث چندان درخشانی وجود ندارد.

■ آیا فکر می‌کنید باید ماده ۲ قانون اساسی را که می‌گوید اسلام مذهب حکومت و شریعت منبع اصلی حقوق است، حذف کرد؟

در حال حاضر در مصر و نیز خارج از کشور بحث‌های زیادی در این خصوص مطرح است. این مسأله را باید با احتیاط و مراقبت خاصی طرح کرد. من خودم فکر می‌کنم که به نفع همه است که به این ماده دست نزنیم. باید به اصول کلی شریعت که همان اصول انسانیت است، رجوع کرد. شریعت مغایر سایر منابع حقوقی نیست. چرا بدون دایل خطر ایجاد مشکلاتی را به جان بخریم که در درازمدت به نفع هیچ کسی نخواهد بود؟ اما به‌طور حتم باید سایر مواد قانون اساسی را که متضمن آزادی اندیشه و تساوی همه شهروندان مصری است، نیز حفظ شود.

■

این نگرانی متأسفانه غلط نیست، مشکل آنجاست که این کشور به ویژه در زمینه آموزش ملی به‌خوبی اداره نشده است. ما در برابر خود وظیفه عظیم برقراری جامعه مدنی یا همان تساهل را برای مردم داریم. پیش از این، کمترین تساهل مذهبی در مصر وجود نداشت.

■ گرایش شما یک رژیم پارلمانی است یا رژیمی مبتنی برریس‌جمهور؟

ما دست کم برای ۱۰ سال آینده به یک نظام مبتنی بر رییس‌جمهور احتیاج داریم تا اینکه احزاب سیاسی و در ادامه تشکیلات پارلمانی به حدالقی از پختگی برسند. تا جایی که به من مربوط است، من تنها یک وکالت چهار ساله را به انجام می‌رسانم، هدف من قرار دادن کشور در مسیر درست است و بعد دادن ادامه کار به نسل جوان.

■ رفتار شما در قبال اسرائیل چه خواهد بود؟

مبارک دو اشتباه مرتکب شد: بستن نوار غزه زمانی که این منطقه هدف حملات وحشیانه اسرائیل در دسامبر ۲۰۰۸ بود و دیگری شرکت در نشست‌های به اصطلاح صلح، در حالی که رژیم اسرائیل به هیچ‌وجه به دنبال صلح نبوده و همچنان به تصاحب غیرقانونی سرزمین‌های فلسطینی ادامه می‌دهد. در عین حال فکر می‌کنم که سیاست تنها راه‌حل مناقشه اسرائیل و فلسطین است و منافع مصر در حفظ پیمان صلح خود با رژیم اسرائیل نهفته است.

منبع: روزنامه فیکارو

شطرنج آمریکا و چین در پاسیفیک

ماتیاس ناس، ترجمه: محمدرعلی فیروزآبادی



AP/PHOTO

است، چه انتظار دیگری می‌توان داشت؟ بی‌تردید چنین کشوری منافع فراوان و ملموسی دارد. نیاز چین به مواد خام سفراهی بزرگ در سراسر جهان گسترده و پکن برای تامین نیازهای خود حتی به منغورترین دیکتاتورها هم خوشامد می‌گوید. چینی‌ها نیز درست به مانند آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها امنیت و تضمین واردات نفت خام را اولویت نخست خود می‌دانند و به همین دلیل خواهان حفظ امنیت مسیرهای آبی اقیانوس هند هستند. حفاظت از مسیرهای آبی یکی از دلایل ادعاها و تلاش بی‌وقفه چین برای در اختیار گرفتن کنترل دریای چین جنوبی است اما کشورهای همسایه مقاومت شدیدی در این مورد به خرج می‌دهند و در این میان رقابت بر سر منابع گسترده نفت و گاز جزایر کوچکی چون اسپارتلی و پاراسل بالا گرفته است.

هزموئی چین کشورهای همسایه را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است اما همه آنها محتاطانه راهی مشترک را دنبال می‌کنند یعنی پناه بردن به آمریکا و همزمان حفظ رابطه با چین. هنگامی که هیلاری کلینتون در جولای ۲۰۱۰ و در اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو آسه آن درخواست کرد که کشورهای این سازمان برای حل مناقشات ارضی خود آمریکا را به عنوان میاجی انتخاب کنند یکبارهِ خشم‌همانی چینی خود را برانگیخت و وزیر خارجه چین به کشورهای آسیای جنوب شرقی در مورد هرگونه همکاری با قدرتهای خارجی برای یافتن راه‌حلی برای مناقشات ارضی هشدار داد. اما

کشورهای آسیای جنوب شرقی به حرف چین گوش نمی‌کنند. آنها در پی نزدیک‌تر شدن به آمریکا هستند و به گفته یک دیپلمات اروپایی: «برپاسخ داغ چین را پشت گردن خود حس می‌کنند» کشورهای چین تایلند، سنگاپور، اندونزی و فیلیپین امروزه درصد عمیق‌تر کردن روابط سنتی خود با واشنگتن هستند. جالب آنکه هیچ امتیاز دیگری در این تفاهم‌ها برای آمریکا و همسایگان چین در نظر گرفته نشده است. از قرار معلوم برای واشنگتن تا همین اندازه کافی است. «کریستین کاربل» نویسنده و کارشناس سیاسی می‌گوید: «سال ۲۰۱۰ را یادها خواهد ماند زیرا چین در این سال گسترش نفوذ خود را آغاز کرد» و البته در همین سال بود که آمریکا بار دیگر به یاد نقش خود به عنوان یک قدرت پاسیفیکی افتاد.

در این سال روابط پکن و استوئل به تیرگی گرایید زیرا چینی‌ها در برابر حمله اژدری زیردریایی کره شمالی به رزم ناو خنومان و موشک باران جزیره یئون پیئونگ واکنش ملایمی نشان دادند. چین حتی ژاپن را هم علیه خود برانگیخت زیرا با فشارهای اقتصادی دیپلماتیک توکیو را وادار کرد که آن کاپیتان چینی را آزاد کند آن ناخدای چینی کشتی خود را به آب‌های حومه جزیره مورد مناقشه سنکاکو برده بود و به همین خاطر توسط نیروهای ژاپنی بازداشت شد.

حادثه سنکاکو اما موجب تقویت دوباره روابط نظامی میان آمریکا و ژاپن شد و این در حالی بود که از زمان روی کار آمدن دولت حزب دموکرات ژاپن در سپتامبر ۲۰۰۹ توکیو خواهان رهایی از چنین دفاعی آمریکا بود. «یوکیو هاتویاما» اولین نخست‌وزیر این حزب خواستار خروج نواگان دریایی آمریکا از جزیره اوکیناوا بود و مردم منطقه از سال‌ها پیش از حضور نیروهای آمریکایی در پایگاه هوایی فونتما به شدت ناراضی بودند.

اما با روی کار آمدن جانشین هاتویاما یعنی «ناتو توکان» (که کارنامهای ناموفق در مدیریت بحران زلزله و آن فاجعه اتمی از خود بر جای گذاشته است) بار دیگر این روابط داغ شد. آمریکایی‌ها هم خواهان افزودن کره جنوبی به پیمان نظامی خود با ژاپن شدند اما کره ای‌ها ناگهان به یاد دوران استعمار خشن ژاپن افتادند و از طرف دیگر خاطره قرارداد صلح ۱۹۴۵ در ذهن ژاپنی‌ها زنده شد. «ماساشی نیشیهارا» رییس پیشین آکادمی دفاع ملی و مدیر امروز انستیتوی تحقیقات صلح و امنیت در توکیو می‌گوید: «هن فکر نمی‌کنم که کره جنوبی‌ها ژاپنی‌ها در جنگی مشترک شرکت کنند».

در واقع بزرگ‌ترین خطر در شرق آسیا ریشه در مناقشات به اصطلاح درون‌کرهای دارد. آیا می‌توان تصور کرد که روزی ژاپن به حمایت از کره جنوبی به کره شمالی حمله نظامی کند؟

هرگز، از سوی دیگر کره شمالی با سلاح‌های اتمی و موشک‌های خود همه دولت‌های منطقه را گرد یک پیمان مشترک جمع کرده است. اما چین یعنی همان کشوری که بیشترین نفوذ را بر رژیم کیم جونگ ایل دارد، به نوعی دست به مایور می‌زند. در صورت قطع کمک‌های غذایی و نفتی پکن به پیونگ یانگ، رژیم مستبد کیم به سرعت دچار فروپاشی می‌شود. در این میان چین است که بزرگ‌ترین مخالف اتحاد دوباره دو کره به شمار می‌آید.

احتمالا پکن هم به‌خوبی می‌داند که حرکت تحریک‌آمیز بعدی کره شمالی در راه است و کره جنوبی هم انتظار سومین آزمایش اتمی همسایه شمالی خود در آینده نزدیک را می‌کشد. بدین ترتیب مسابقه تسلیحاتی در آسیا همچنان داغ می‌شود. حتی برنامه اتمی کره شمالی هم تا به امروز موجب شتاب برای ایجاد یک سیستم هم‌پیمانی جدید نشده است. ساختارهای امنیتی در آسیا تا امروز تفاوت‌هایی اساسی با اروپا دارد. این ساختارها از زمان جنگ سرد بر پایه قراردادهای همکاری و دفاعی دوجانبه با آمریکا ایجاد شده‌اند. ایجاد یک سیستم امنیت جمعی بر پایه الگوی ناتو در آسیا هرگز امکان‌پذیر نیست زیرا گذشته، هنوز هم در این قاره حضور دارد. حس ناسیونالیستی در آسیا چنان عمیق است که حد و اندازهای آن حتی در تصور اروپایی‌ها نمی‌گنجد. بدین‌ترتیب چگونه می‌توان ادعاهای پکن را مهار کرد؟

اتحاد سیاست موسوم به سد نفوذ در برابر چین، برخلاف آنچه زمانی علیه شوروی اعمال می‌شد، کاملاً بی‌معنی است. زیرا چین قصد عبور از آن نظم جهانی برخاسته از غرب را ندارد و خواهان شرکت در آن است، حتی اگر گاه خود را به قواعد پذیرفته شده بازی ملزم نداند. در حقیقت هیچ کشوری به اندازه

جمهوری خلق چین کمونیستی تا به امروز از آن جهانی‌سازی مبتنی بر سرمایه‌داری سود نبرده است. باید پذیرفت که چین نه یک قدرت انقلابی، بلکه قدرتی سیاسی و واقعی است. «ریچارد بوش» کارشناس انستیتوی تحقیقاتی بروکینگز در واشنگتن قاطعانه می‌گوید: «اتخاذ سیاست سد نفوذ در قبال چین هرگز به عنوان یک گزینه مطرح نبوده است».

با این حال چینی‌ها سیاست‌های آمریکا را به عنوان مانع و سدی در برابر خود می‌بینند. از نظر آنان آیا پیمان‌های نظامی با ژاپن و کره جنوبی، قرارداد اتمی با هند و انجام مانورهای مشترک، در خدمت هدفی جز محدود ساختن قدرت چین است؟ رهبری پکن و همین‌طور بخش بزرگی از مردم چین در این مورد تردید ندارند که آمریکا خواهان جلوگیری از رشد چین است. در نظر بسیاری از این مردم حتی اعطای جایزه ادبیات نوبل به آن دگراندیش چینی نیز از جمله توطئه‌های آمریکا به شمار می‌آید.

«یوشیهیداسویا» که یکی از برجسته‌ترین تحلیلگران طیف امروزی قدرت در شرق دور محسوب می‌شود می‌گوید: «به عقیده من، ما نمی‌توانیم تعیین کنیم که چین باید به کدام سمت برود. این کار مربوط به خود چینی‌هاست. هدف سیاست غرب باید ایجاد یک جامعه مدنی در چین باشد».

همسان و هم پایه شدن چین با ابرقدرت آمریکا مردم این کشور را برای رسیدن به اهدافشان مصمم‌تر خواهد کرد. البته این مسأله هنوز جای نگرانی ندارد. اما در صورت تداوم این حالت روز به روز بر نقش قدرت‌های خارجی برای ایجاد ثبات و امنیت در آسیا افزوده خواهد شد. با این حال نقش آمریکا به عنوان قدرت حافظ نظم در آسیا در آینده به تاریخ می‌پیوندد. البته این آینده نزدیکی نیست و هنوز هم چین رابطه با آمریکا را از ضروریات خود می‌داند.

حتی اگر علاقه به مسایل ژئوپلیتیک در اروپا فلج و خاموش شده باشد در پاسیفیک همچنان زنده و بیدار است. «کاندولیسرا راس» وزیر خارجه پیشین آمریکا نیز «دفاع از پاسیفیک» را امری استراتژیک و بسیار با اهمیت می‌دانست اما آمریکایی‌ها در زمان بوش و بعد از حملات یازدهم سپتامبر همه حواس خود را به خاورمیانه، عراق و افغانستان معطوف کردند و حال یعنی در دوران اوپاما یکبار دیگر همه نگاه‌ها به سوی شرق دور بازمی‌گردد. این روزها صحبت‌های زیادی در مورد «بازگشت آمریکا» به آسیا به گوش می‌رسد.

اما بی‌تردید پایان قرن آمریکا فرا رسیده است. با این حال اگر همه چیز خوب پیش رود، قرن به اصطلاح پاسیفیکی تبدیل به قرن همزیستی مسالمت‌آمیز آمریکا و چین خواهد شد. اما در غیر این صورت مسابقه تسلیحاتی امروز به جنگ قدرتی تلخ بدل خواهد شد.

نش قبر اجباری در رواندا



■ یکی از احزاب مخالف در رواندا می‌گوید که دولت این کشور شماری از مردم را به نیش قبر بستگان آنها که در نسل‌کشی سال ۱۹۹۴ کشته شدند، مجبور کرده است. در نسل‌کشی رواندا که حدود صد روز ادامه داشت، هوتوهای تندرو بیش از ۸۰۰ هزار نفر از قوم توتسی و هوتوهای میانه‌رو را کشتند. دولت رواندا تأکید دارد که مردم نباید هیچ‌گاه آن واقعه را فراموش کنند و به این منظور چند بنای یادبود تأسیس کرده که بقایای اجساد قربانیان از جمله جمجمه و استخوان‌های آنان در این بناها به نمایش گذاشته می‌شود. جاناتان موسونرا، نماینده حزب کنگره ملی -از احزاب مخالف دولت رواندا- می‌گوید که به او و تعداد دیگری دستور داده شده بود که بقایای اجساد بستگان‌شان را از قبر بیرون بیاورند و به اماکن یادبود نسل‌کشی تحویل بدهند.

دولت و کمیسیون صیادین‌تولوزی نسل‌کشی رواندا از گفت‌وگو با بی‌بی‌سی. درباره این اتهام خودداری کردند. جاناتان موسونرا گفت که خانواده‌اش از نیش قبر خودداری کرد، اما مقام‌های دولتی، آنها را تهدید کردند که از زندانیان برای نیش قبر و درآوردن بقایای اجساد استفاده خواهند کرد. وی گفت: «اما هیچ چاره‌ای نداشتیم. اقوام من اجساد را بیرون آوردند و به مقامات تحویل دادند که آنها را به اماکن یادبود برده‌ند»

جاناتان موسونرا گفت که این اقدام اثر منفی بر روحیه‌اش داشته است، زیرا ترجیح می‌داد که بقایای اجساد اعضای خانواده و بستگانش در قبر باقی می‌ماند.

انجمن نجات‌یافتگان از نسل‌کشی رواندا که به دولت این کشور نزدیک است از سیاست نیش قبر قربانیان حمایت می‌کند.

به گفته این انجمن، اجساد قربانیان باید حفظ و در آینده نیز در انظار عمومی به نمایش گذاشته شود تا مردم نسل‌کشی سال ۱۹۹۴ را فراموش نکنند

منبع: بی‌بی‌سی

Capricia
134&128 PCS

خانه، زندگی، روسی

www.portabatzar.com
www.dessini-shop.com

فقط با کارتت پرتاب افزار و هولوگراف

تلفن خدمات و پذیرش تعلیدگی: ۶۶۹۳۷۰۷۵

دسینی

آگهی

به استناد رونوشت سند شماره ۲۴۱۹-۹۰/۱/۲۸

دفترخانه استناد رسمی شماره ۸۵۸ تهران ، آگای رضا ربیعی فرزند مکی چهار دانگ مشاع یک فرزند شناور پدک کش یه شماره ثبت ۲۰۵۴۹۶ پندر امام (ره) را به آگای مکی ربیعی فرزند یعفر به شماره شناسنامه ۱۱۹۵۳ صادره از آپادان انتقال قطعی داده است .

مرتاتب به موجب ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می گردد.

۵۸۴۶

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق تلفنی آگهی می‌پذیرد.

۸۸۶۵۸۵۷
۸۸۵۲۸۴۵

روزنامه شرق تلفنی آگهی می‌پذیرد.

۸۸۶۵۸۵۷
۸۸۵۲۸۴۵

روزنامه فیکارو